



A Jurisprudential Explanation of Threat Factors and Security Tools in Society

Mohammad Esmaeil Nabatian¹

Received: 26/08/2020

Accepted: 28/11/2020



Abstract

Fiqh (Islamic jurisprudence) by relying on religious texts and reason, and deriving Shariah rulings from them, is in the place of defining and creating a believing society. Among other things, fiqh by counting the threatening factors of this society in the social arena, while condemning the threatening factors and imposing worldly and hereafter punishments on them, infers and presents mechanisms and methods to prevent or deal with these threats. Social security, which is considered under national security in the broad interpretation of security, is based on the protection of the values governing the society and its religious identity against the attack against it. These values determine the objectives of social life and direct people's actions towards them. With regard to the issue of social security (as one of the aspects of the Islamic state's security) and the mission of fiqh, the question arises as to how and from what source or sources the religious society is vulnerable. Moreover, what are the security protection mechanisms of this society? In explaining the problem, social security has been examined based on the three levels of "security of what, against what, and with what tools and mechanisms". In addition to explaining social security, jurisprudential propositions regarding the

1. Assistant Professor, Faculty of Ma'arif and Islamic Thought, University of Tehran, Tehran, Iran.
me.nabatian@ut.ac.ir.

* Nabatian, M. E. (1400 AP). A Jurisprudential explanation of threat factors and security tools in society. *Journal of Jurisprudence and Politics*, 2(3), pp. 33-63. DOI:10.22081/ijp.2020.73577

sources and factors of threats to social security (such as oppression, discrimination, warfare, and oppressive government), as well as the ways and mechanisms to deal with them such as Hudud (punishments that under Islamic law are mandated and fixed by God as per Islam) and Ta'azirat (punishments for offenses at the discretion of the judge or ruler of the state), commanding the good and forbidding the bad, hijab, cooperation, the rules of Dar', family, Hesba (public duties) institution, Qada institution, etc. have been extracted and examined. The finding of the present study is to reveal the capability of fiqh in explaining the sources of social security risk and the mechanisms of its protection in the framework of the believing society considered by fiqh.

Keywords

Fiqh, social security, rules of Fiqh, security Fiqh.

تفسير فقيهي لعوامل التهديد ووسائل الأمان في المجتمع

محمد اسماعيل نباتي^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٠/١١/٢٨ تاريخ القبول: ٢٠٢٠/٠٨/٢٦

الملخص

يهدف علم الفقه إلى تعريف وبناء مجتمع مؤمن بالاعتماد على النصوص الدينية والعقل واستنباط الأحكام الشرعية منها. الفقه من خلال تحديد العوامل التي تهدى المجتمع في المجال الاجتماعي، وإدانة تلك العوامل وفرض العقوبات الدنيوية والأخروية عليها، يستخرج ويقدم آليات وطرق الوقاية أو المكافحة مع هذه التهديدات. الأمن الاجتماعي، الذي يتم تحظيطه واعتباره في التفسير الموسع للأمن في إطار الأمن القومي، يقوم على حماية القيم التي تحكم المجتمع وهوبيه الدينية ضد الهجوم عليه. تحدد هذه القيم أهداف الحياة الاجتماعية وتوجه تصرفات الناس نحوها. فيما يتعلق بقضية الأمن الاجتماعي (كبعد من أبعاد أمن الدولة الإسلامية) ورسالة الفقه، فإن السؤال الذي يطرح نفسه هو كيف ومن أي مصدر أو مصادر يكون المجتمع الديني عرضة للخطر؟ وما هي آليات الحماية الأمنية لهذا المجتمع؟ في سر المشكلة، تم التحقيق في "الضمان الاجتماعي" على ثلاثة مستويات: "أمن ماذا ضد ماذا وبأية أدوات وأيات". وأشار شرح أمن المجتمع، تم استخلاص وتحليل التعبيرات الفقهية المتعلقة بمصادر وعوامل تهديدات الأمن الاجتماعي (مثل الظلم، والتيزير، وال الحرب، والحكومة القمعية)، وكذلك طرق وآليات التعامل معها (مثل المحدود والعقوبات، الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، واللحاجب، والتعاون، وقاعدة الدرء، ومؤسسة الأسرة، ومؤسسة الحسبة، ومؤسسة القضاء، وما إلى ذلك). يتمثل وبختيار هذا المقال في الكشف عن قدرة الفقه في شرح مصادر تهديدات الأمن الاجتماعي وأليات حمايته في إطار المجتمع المؤمن الذي يعتبره الفقه.

الكلمات المفتاحية

الفقه، الأمن الاجتماعي، الأصول الفقهية، فقه الأمن.

alimir124@gmail.com

١. أستاذ جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران.

*. نباتي، محمد اسماعيل. (٢٠٢١م). تفسير فقيهي لعوامل التهديد ووسائل الأمان في المجتمع. مجلة متخصصة نصف سنوية الفقه والسياسة، ٢(٣)، صص ٣٣-٦٣.
DOI:10.22081/ijp.2020.73577

تبیینی فقهی از عوامل تهدید و ابزارهای تأمین امنیت در جامعه

محمد اسماعیل نباتیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

چکیده

دانش فقه با تمسک بر نصوص دینی و عقل، و استبطاط احکام شرعی از آنها در مقام تعریف و ایجاد جامعه‌ای مؤمنانه است؛ از جمله، فقه با احصاء عوامل تهدیدکننده این جامعه در حوزه اجتماعی، ضمن تقبیح عوامل تهدید و تکلیف عقوبات دنیوی و اخروی بر آنها، سازوکارها و راههای پیشگیری با مقابله با این تهدیدها را استبطاط کرده و ارائه می‌کند. امنیت اجتماعی که در تفسیر موسع از امنیت، ذیل امنیت ملی طرح و تلقی شده، بر صیانت از ارزش‌های حاکم بر جامعه و هویت مذهبی آن در برابر تهاجم علیه آن قوام می‌یابد. این ارزش‌ها غایات حیات اجتماعی را تعیین کرده و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کند. با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی (به عنوان بُعدی از ابعاد امنیت دولت اسلامی) و رسالت دانش فقه، این پرسش مطرح می‌شود که جامعه مؤمنانه چگونه و از چه منبع یا منابعی مخاطره‌پذیر است؟ و سازوکارهای حفاظت از امنیت این جامعه چیست؟ در تبیین مسئله، امنیت اجتماعی با الهام از سه سطح «امنیت چه چیزی، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری» بررسی شده و ضمن تبیین امنیت جامعه، گزاره‌های فقهی ناظر بر منابع و عوامل تهدید امنیت اجتماعی (نظیر ظلم، تبعیض، محاربه و حکومت جائز)، و نیز راه‌ها و سازوکارهای مقابله با آنها (مانند حدود و تعزیرات، امریبه معروف و نهی از منکر، حجاب، تعاون، قاعده درء، نهاد خانواده، نهاد حسبه، نهاد قضاء و...) استخراج و بررسی شده است. یافته پژوهش حاضر، آشکارسازی توانمندی دانش فقه در تبیین منابع مخاطره امنیت اجتماعی و سازوکارهای صیانت از آن در چارچوب جامعه مؤمنانه مدنظر فقهه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

فقه، امنیت اجتماعی، قواعد فقه، فقه امنیت.

۱. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
me.nabatian@ut.ac.ir

* نباتیان، محمد اسماعیل. (۱۴۰۰). تبیینی فقهی از عوامل تهدید و ابزارهای تأمین امنیت در جامعه. دوفصلنامه علمی - تخصصی فقه و سیاست، ۲(۳)، صص ۳۳-۵۳.
DOI:10.22081/ijp.2020.73577

مقدمه

امنیت اجتماعی (Societal Security) ناظر بر تدارک و تمهد فضا و ابزارهای سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) افراد جامعه است.

در مکاتب جدید امنیت، مفهوم امنیت اجتماعی با دو سطح تحلیل متفاوت مطرح شده است: نخست، امنیت اجتماعی را به مثابه بُعدی از امنیت ملی، که براساس آن، مرجع امنیت، دولت است. از این منظر امنیت اجتماعی ناظر بر تهدید هویتی جوامع در دولت‌های ملی است؛ به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی بر صیانت از ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی تأکید دارد (بوزان، مردم، ۱۳۷۸، ص ۳۴). برای مثال زمانی که ارزش‌های اسلامی و نظام باورهای جامعه اسلامی در معرض هجوم فرهنگی غرب قرار می‌گیرد، در واقع نوعی احساس ناامنی اجتماعی شکل می‌گیرد که مرجع این احساس، دولت است و از این رو تهدید امنیت ملی به شمار می‌رود (رك: شیهان، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

سطح تحلیل دوم، امنیت اجتماعات فرمولی یا فراملی به مثابه مرجعی مستقل از دولت طرح می‌شود و از این رو مردم به عنوان مرجع آن شناسایی شده و به مثابه بُعدی از ابعاد امنیت انسانی تلقی می‌شود (بوزان، ویور و دوویلد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۶).

رویکردی که در این مقاله اتخاذ شده، سطح تحلیل نخست است که امنیت اجتماعی به مثابه بُعدی از ابعاد امنیت ملی تلقی شده و مرجع امنیت در آن، دولت است. براین اساس، امنیت اجتماعی در مقام حفاظت از ملت با برقراری محیطی امن است (نویدنیا، ۱۳۸۲، ص ۵۶). به طوری که امنیت اجتماعی و چگونگی و سازوکار استقرار و حفظ آن، از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین اهداف نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود (رومینا و حسینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

از سوی دیگر، فقه به عنوان دانشی راهبردی، با ارائه قوانین و احکام ناظر بر روابط فردی و اجتماعی، در مقام تحقیق جامعه مؤمنانه و ارزش‌مدار است. این نقش پررنگ و اثرگذار فقه در تاریخ جوامع مسلمان و جهت‌دهی به جامعه به روشنی آشکار است.

۳۴

فقه‌یار
سیاست

مال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰ (پیاپی ۳)

با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی (به عنوان بُعدی از امنیت نظام اسلامی) و رسالت دانش فقه، این پرسشن مطرح می‌شود که جامعه مؤمنانه چگونه و از چه منبع یا منابعی مخاطره‌پذیر است؟ و سازوکارهای حفاظت از امنیت این جامعه چیست؟

در توضیح مسئله مقاله می‌توان گفت مسئله امنیت جامعه در قالب سه سؤال یا سطح فرعی قابل طرح است: «امنیت چه چیزی، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری؟» مقاله براساس پاسخ به این سه سؤال سامان یافته است.

۱. امنیت جامعه

این قسمت، پاسخی اجمالی به سؤال «امنیت چه چیزی» است. «ویور» امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی جامعه، و در شرایط تغییر و تهدیدهای واقعی و اجتماعی تعریف می‌کند (به نقل از: نویبدنیا، ۱۳۸۲، صص ۵۶ و ۶۲). در واقع امنیت اجتماعی توان حفظ و ایمنی و صیانت از الگوها و ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی است که یک تحول یا ترتیبات جدید به عنوان یک تهدید علیه آن (هویت اجتماعی) تلقی می‌شود (بوزان، مردم، ۱۳۷۸، ص ۳۴). محققان زمینه امنیت اجتماعی را ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌دانند. ارزش‌ها غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. در واقع، نظام ارزشی زیربنای اجتماع تلقی می‌گردد (بشیریه، ۱۳۸۱، صص ۸۵-۸۶) و نهادها، هنجارها و نقش‌های موجود در جامعه در قالب ارزش‌ها تعریف می‌شوند و با ایجاد ضعف یا اشکال در هریک از اینها، نامنی بر نظام اجتماع مستولی می‌گردد؛ به طوری که غالب اندیشمندان حوزه امنیت، موضوع یا مرجع امنیت اجتماعی را ارزش‌های سنتی جامعه می‌دانند (نصری، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

همان طور که پیشتر اشاره شد، در مکاتب امنیتی جدید، مرجع امنیت ملی، حکومت ملت پایه است که واحدهای سیاسی براساس آن شکل گرفته‌اند و حاکمیت سیاسی را در پی دارد. به عبارت دیگر، امنیت ملی به رابطه حکومت با محیط خود برمی‌گردد؛ به طوری که تهدید امنیت ملی معطوف به اجزای گوناگون حکومت است؛ از این‌رو با تهدید امنیت اجتماعی، امنیت نظام ملی نیز دچار آسیب می‌شود.

نکته قابل توجه در اندیشه‌های جدید امنیت، رابطه این همانی امنیت اجتماعی با امنیت هویت یک جامعه است. براین اساس، جامعه هنگامی احساس امنیت می‌کند که هویت و هسته حیاتی آن در معرض مخاطره درونی و بیرونی نباشد (نصری، ۱۳۹۱، ص. ۷۰). نکته شایان ذکر اینکه مقصود از امنیت در جامعه، نوع تلفیقی و جامع امنیت است که در برگیرنده وجود سلبی و ایجابی امنیت است. به عبارت دیگر، امنیت اطمینان‌بخش جامعه هنگامی تأمین می‌شود که اولاً تهدیدی، موجودیت و هستی جامعه را تهدید نکند و ثانیاً آن جامعه واجد فرصت‌های برابر برای توانمندسازی اعضای خود و کمال یافتن خود داشته باشد. امنیت سلبی سبب صیانت جامعه از خطرات معطوف به موجودیت و بقای جامعه می‌شود و امنیت ایجابی زمینه اعتلا و توانمندسازی جامعه را فراهم می‌کند.

تبیع در ابواب مختلف فقه که متولی ارائه حدود و ثغور و قوانین ناظر بر روابط فردی و اجتماعی یک جامعه مؤمنانه است، مبین اتخاذ رویکرد ایجابی و سلبی در صیانت از امنیت جامعه مؤمنانه است؛ به طوری که ضمن بحث از عوامل تهدید امنیت جامعه، به ساز و کارهای سخت و نرم مقابله با تهدیدها و حفظ کیان جامعه در عین ایجاد رضایتمندی می‌پردازد. در این راستا در فقه، عوامل تهدید‌کننده ارزش‌های جامعه و فرهنگ دینی و نیز ابزارها و ساز و کارهای مقابله با این تهدیدها استنباط و ارائه شده است. فقه تلاش می‌کند انسان در جامعه، در مسیر تقریب به خدا حرکت کند و اساساً انسان مقرب در امنیت کامل است. در این راستا هر عاملی که مسیر حرکت مؤمنانه را تخریب نماید و با تضعیف ارزش‌های دینی، جامعه را به سویی غیر از تقریب به خدا سوق دهد، به عنوان یک تهدید محسوب می‌شود که اسباب تزلزل امنیت جامعه را فراهم می‌کند. از این رو ضرورت دارد با بهره‌گیری از مهار کننده‌های دنیوی و اخروی، با آن مقابله شود یا اساساً زمینه تحقق تهدید از بین برود؛ چراکه جامعه مؤمنانه در پیش تطهیر جامعه از فسق و فجور محقق می‌شود.

نکته شایان ذکر اینکه با وجود اختلاف دو مفهوم اجتماع و جامعه (نصری، ۱۳۸۰، ص. ۱۱۳)، در اینجا امنیت اجتماعی با امنیت جامعه یکسان تلقی شده است.

۲. گزاره‌های فقهی ناظر بر عوامل تهدید امنیت اجتماعی

در این قسمت به پرسشی «امنیت در برابر چی» پرداخته شده است. همان طور که بیان شد، امنیت اجتماعی بر ارزش‌های فرهنگی و دینی ابتنا دارد؛ و در مقابل، در ادبیات قرآنی و فقهی، مفهوم «فسق و فجور» به عنوان ضدارزش، تهدید کننده امنیت اجتماعی تلقی شده است. این دو مفهوم مترادف بسیاری از بزهکاری‌ها، معاصی، جرایم و جنایت‌ها را شامل می‌شود (عبدالرحمان، ۱۴۱۹، ج. ۳، ص. ۲۹) فسق به طور کلی دو نوع است: فسق در اعتقاد (بدعت کفرآمیز مانند تکذیب قرآن و بدعت بدون کفر مانند خوارج) - (بغیره، ۲۶) و فسق در عمل (فسق کفرآمیز مانند حلال شمردن حرام خدا و بدون کفرآمیز مانند ارتکاب معاصی همچون زنا، قتل، لواط، شرب خمر، قذف، تهمت، غیبت، غصب، ربا و دروغ)، (الحریری، ۱۴۲۲، صص ۵۸-۵۹) بر اساس آیات شریفه، فرجام فسق بسیار و خیم است، چه در دنیا مثل تسلط اشرار، حیرت و اضطراب، و چه در آخرت مانند عذاب روز قیامت و یا هر دو عقوبت. بنابراین فسق یک عامل ناامنی در جامعه است؛ از این رو در فقه برای تأمین امنیت جامعه، برای برخی از فسوق، عقوبات‌های سختی وضع شده است. البته در فقه بیشتر فسق در عمل مراد است؛ گرچه از فسق در اعتقاد مانند ارتداد نیز بحث می‌شود.

با عنایت به اتخاذ رویکرد سیاسی در تبیین فقهی امنیت اجتماعی، از بحث درباره برخی از عوامل تهدید امنیت اجتماعی که تبلور سیاسی چندانی ندارند، اجتناب کرده‌ایم؛ از جمله محرمات جنسی نظیر احکام مربوط به زنا، لواط و شحق، قذف و قوادی؛ و همچنین محرمات زبانی مانند دروغ، غیبت و تهمت. البته بر اساس رویکرد فقهی، ابتلای جامعه به کبائر و معاصی نظر زنا، لواط و شحق، قوادی، قذف، دروغ، غیبت و تهمت، زمینه تعارض و سیز میان آحاد جامعه را افزایش می‌دهد و در مقابل، وفاق اجتماعی دچار تزلزل می‌کند. افزایش این تعارض‌ها و سیزها و کاهش وفاق اجتماعی اسباب ناامنی اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ از این رو حکم حرمت و مقابله شدید با آنها تکلیف شده و عقوبات اخروی سختی بر مرتكبان آنها و عده داده شده است.

در اینجا به تشریح عوامل مهم نامنی در جامعه می پردازیم.

۱-۲. ظلم

ظلم قاردادن شيء در غير موضع مختص خود است (سعدی، ص ۱۴۰۸، آق، ۲۳۸). شریف مرتضی در تعریف ظلم می نویسد: «الظلم كل ضرر ليس بمستحق ولا نفع فيه ولا دفع ضرر أعظم منه معلوم أو مظنون، ولا يفعل على مجرى العادة ولا على جهة الدفع عن النفس» (شریف مرتضی، آق، ج ۲، ص ۲۷۶)؛ ظلم به هر ضرری که مستحق نیست گفته می شود که در آن نفعی وجود ندارد، دفع ضرر بزرگتر که معلوم یا گمان می رود، نیست، همچنین معمولاً انجام نمی شود و نیز با هدف دفع ضرر از نفس و جان نمی باشد».

قبح ظلم از احکام فطری بشری است و آیات (بقره، ۵۹، ۱۲۴ و ۱۵۶؛ آل عمران، ۱۱۷ و ۱۳۵؛ نساء، ۱۰ و ۳۰؛ مائدہ، ۱۶۰؛ یونس، ۱۳؛ کهف، ۵۹) و روایات (کلینی، ۱۴۲۹، آق، ج ۴، ص ۲۳؛ مازندرانی، ۱۳۸۲، آق، ج ۹، ص ۳۵۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، آق، ص ۷۱۷) متعددی بر قبح ظلم دلالت می کنند؛ حتی ظلم یکی از موانع نیل به مقام امامت قلمداد شده است (بقره، ۱۲۴) این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه شخص ستمگر به رهبری مردم که عهد خداوند است گماشته نمی شود و اطلاق آیه، عدم صحت ایجاد حکومت ظلم و هم عدم صحت تداوم آن را شامل می شود (منتظری، ۱۳۶۹، آق، ج ۲، ص ۳۹۰). خداوند در قرآن به کرزات نفی ظلم و تجاوز به حقوق فردی و عمومی را بیان کرده است و آن را از علل هلاکت و نابودی اقوام و ملت‌ها خوانده است (یونس، ۱۳؛ کهف، ۵۹؛ هود، ۱۱۳).

رسول خدا ﷺ نیز ظلم را عامل ناپایداری و زوال حکومت می شمارد: «الحكم يبقى مع الكفر ولا يبقى مع الظلم». (مازندرانی، ۱۳۸۲، آق، ج ۹، ص ۲۸۵) نقش تخربی ظلم در جامعه حتی در اندازه آماده کردن لیقه و دوات و تراش مداد ظالم نیز، عقابی سخت دارد: «إذا كان يوم القيمة نادى مناد: أين أعنوان الظلمة، و من لاق لهم دواة، أو ربط لهم كيساً، أو مدد لهم مدة قلم، فاحشروهم معهم» (سید بن طاووس، آق، ص ۲۶۰؛ حرمعلی، آق، ج ۱۷، ص ۱۸۰) اساساً ظلم عامل هلاکت جوامع است؛ چراکه در ارتکاب آن، حقوق آحاد جامعه

تضییع می‌شود و ارزش‌های فطری و الهی جامعه لگد کوب می‌گردد و روابط میان انسان‌ها در مسیر نامن و خشونت آمیز قوام می‌گیرد.

۲-۲. تبعیض

تبعیض به عنوان یک محروم شرعی، از چنان نقشی در افساد در جامعه برخوردار است که برخی فقهاء آن را یک قاعده فقهی تلقی کرده‌اند (شرعیتی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵-۱۵۶) رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} در حجّه‌الوداع بر نفی تبعیض و برابری انسان‌ها تأکید فرمودند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۳، ص ۳۵۰).

مراد از عدم تبعیض، تساوی در برابر قانون، مساوات در مقابل محاکم قضایی و همچنین مساوات در برخورداری از حقوق و امتیازات مالی و غیرمالی دولتی است (منتظری، ۱۴۱۷ق، ص ۲۶۸) تبعیض میان آحاد جامعه، زمینه‌ساز نامنی روانی و اجتماعی و سلب اعتماد عمومی و بی‌اعتتمادی میان نهادهای جامعه و گروه‌های اجتماعی می‌شود که در فروپاشی امنیت اجتماعی تبلور می‌یابد.

۳۹

فقیه سیاسی

تبیین فقهی از موافق تهدید و پذیره ایامنی در جامعه

۳-۲. محارب

محارب کسی است که سلاح را برای ترساندن مردم، در شهر یا غیر شهر و شب یا روز و... برکشد: «المحارب کل من جرّد السلاح لِإِخْفَافِ النَّاسِ، فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ، لِيَلًاً [كان] أَوْ نَهَارًاً، فِي مَصْرٍ وَغَيْرِهِ». (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۵) صاحب جواهر محاربه را حتی با اقدام علیه یک نفر، خواه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، در دارالاسلام باشد یا غیر آن، نیز محقق می‌داند: «المحارب کل من جرّد السلاح أو حمله لِإِخْفَافِ النَّاسِ وَ لَوْ وَاحِدٍ. لَوْ أَحَدٌ عَلَى وَجْهٍ يَتَحَقَّقُ بِهِ صَدْقَ إِرَادَةِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ... وَ مَعْدَدُ الْإِجْمَاعِ تَحْقِيقَهُ يَا إِخْفَافَ كُلِّ مَنْ يَحْرِمُ عَلَيْهِ إِخْفَافَهُ مِنَ النَّاسِ مِنْ غَيْرِ فَرْقٍ بَيْنِ الْمُسْلِمِ وَغَيْرِهِ وَ فِي بَلَادِ الْإِسْلَامِ وَغَيْرِهَا» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۴)؛ محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون بکشد یا آن را حمل نماید هر چند یک نفر باشد. اگر محارب یک نفر باشد در صورت صدق اراده فساد بر زمین، بر او محارب اطلاق می‌شود... . اجماع فقهاء براین

است که در صورتی محاربه تحقق می‌یابد که موجب ترس هر کسی که حرام باشد ترساندنش، خواه مسلمان باشد یا غیر مسلمان، در دارالاسلام باشد یا غیر آن.

امام خمینی علاوه بر ترساندن مردم، تجهیز جهت ترساندن را نیز معیار محاربه قلمداد کرده است: «المحارب هو كل من جرد سلاحه أو جهزه لأخافه الناس وإراده الإفساد في الأرض» (امام خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۹۲).

بنابراین ملاک در محاربه، ایجاد رعب و وحشت در مردم و افساد در زمین با کشیدن سلاح سرد یا گرم است؛ به عبارتی، ایجاد ناامنی در جامعه است. به همین دلیل، چهار حد و کیفر سخت برای محارب وضع شده است: قتل، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا به طور عکس (مراد انگشتان دست و پاست) و تبعید، که فقهاء با استناد به نص آیه ۳۳ سوره مائدہ چنین حکمی داده‌اند: «إِنَّمَا يَحْرَأُ الَّذِينَ يَحْرَبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يَقْتَلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُنْقَطَعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَقُوا مِنَ الْأَرْضِ».

آیت الله موسوی اردبیلی در تطبیق محاربه بر امنیت عمومی و تعمیم مصاديق آن می‌نویسد: «اخلال در امنیت عمومی تنها از طریق برکشیدن سلاح نیست، بلکه فته‌انگیزی و ایجاد تفرقه، پراکندگی و دشمنی در بین مردم نیز مصدق آن است. بنابراین هر چه موجب از بین رفتن نظم اجتماع و امنیت مردم شود، مشمول حکم آیه شریفه است. پس باید آشکارا گفت که اخلال در نظم و امنیت جامعه مصدق محاربه است، چه این عمل به قصد براندازی نظام سیاسی صورت گرفته باشد و چه به قصد دیگری» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۷۸۷).

شدّت عقوبات، کیفر و حدّ محارب (قتل، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا به طور عکس و تبعید) که در میان معاصی کم نظیر است، مبین نقش تخریبی و تهدیدی عمیق محاربه به عنوان یک تهدید امنیت اجتماعی و به تبع، امنیت دولت اسلامی است.

۴-۲. حکومت جائز

کارویژه اساسی حکومت‌ها حفظ امنیت است؛ اما با این حال، حکومت‌ها می‌توانند

خود یکی از عوامل تهدید امنیت اجتماعی ظاهر شوند که با دست اندازی به جان و مال مردم، محیط ناامنی را برای آحاد جامعه رقم زند. حکومت جائز مصدق بارز تهدید امنیت اجتماعی به شمار می‌رود. فقه حکومتی را جائز قلمداد کرده‌اند که مأذون از امام معصوم نباشد (موسوی خلخالی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۲) و این گونه حکومت‌ها برای تحکیم پایه‌های نظام خود، به تجویز و تعمیق ارزش‌های متناسب با نظام جور اقدام می‌کنند، (ماندل، ۱۳۷۷، صص ۱۴۸-۱۴۹؛ بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۷) که اسباب ناامنی را در جامعه موجب می‌شوند.

حکومت جائز با اتكای بر ثروت و قدرت فوق العاده، جامعه را در طریق امیال خود سوق می‌دهد. آیت‌الله نائینی این وضعیت ناامن کننده حکومت جائز به شیوه‌ای ترسیم کرده است: «ملکت را بمالیها مال خود انگار و اهلش را مانند عبید و اماء، بلکه اغnam و احشام، برای مرادات و در کسی شهواتش مسخر و مخلوق پندارد،... هر که را منافی یافت، از مملکت که ملک شخصی خودش پنداشت، تبعیدش نماید و یا اعدام و قطعه قطعه به خورد سگانش دهد و یا گرگان خونخواره را به ریختن خونش تهریش و به نهض و غارت اموالش، وادرشان نماید و هر مالی را که خواهد، از صاحب‌ش انتزاع و یا به چاول چیان اطرافیش بخشند» (نائینی، ۱۳۹۳، صص ۴۲-۴۱).

نکته شایان ذکر اینکه بین میزان قدرت تهدید و پیامدهای آن بر جامعه، ملازمه وجود دارد؛ ازین‌رو حکومت جائز به علت برخورداری از قدرت فائقه در جامعه، می‌تواند نقش مؤثرتری در تخریب ارزش‌ها و ناامنی اجتماعی داشته باشد.

۳. گزاره‌های فقهی ناظر بر ابزارها و سازوکارهای تأمین امنیت اجتماعی

یک پرسش اساسی در مسئله امنیت جامعه، ابزارها و سازوکارهای تأمین آن است. این ابزارها را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد: ابزارهای مقابله با ناامنی، ابزارهای پیشگیری از وقوع ناامنی که در آن نظام اجتماعی به صورت فعال (Active) ورود می‌کند، و ابزارهای فرافقاً (Proactive) که با عبور از رویکرد سلی، امنیت از نوع ایجابی و ایجاد رضایتمندی در جامعه را محقق می‌سازد که در آن، نهادهای سیاستگذار و برنامه‌ریز نقش تعیین کننده دارند.

تبیع در ابواب مختلف فقه، دست یابی به ابزارها و سازوکارهای متعدد در سه سطح فوق را رهنمون می‌شود. سازوکارهای استخراج شده غالباً ظرفیت نقش آفرینی در بیش از یک سطح را دارند؛ اما به دلیل کمی مجال، براساس نقش غالب هر یک از سازوکارها، ذیل یکی از سه سطح توضیح داده شده‌اند.

۱-۳. سازوکارها و ابزارهای مقابله با ناامنی اجتماعی

۱-۳-۱. حدود و تعزیرات

از مباحث فقهی مهمی که نقش مؤثری در مقابله با عوامل و زمینه‌های ناامنی در جامعه دارد، حدود و تعزیرات است؛ البته اقامه حدود و تعزیرات در بازدارندگی نیز اثرگذار است. به دلیل اهمیت حدود و تعزیرات در حیات اجتماعی، غالب فقهای متقدم تا معاصر به این مبحث مستوفا پرداخته‌اند. حدود عقوبت خاصی است که شارع به میزان معینی برای تعذیب مرتكب معصیت خاصی وضع کرده است و تعزیر به عقوبت یا اهانتی اطلاق می‌شود که شرع مقدار و کمیتی را برایش تعیین نکرده است (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۲۵۴) در قرآن نیز به واژه حدود تصریح شده است (بقره، ۱۸۷ و ۲۲۹).

اداره جامعه، حفظ نظام‌های اجتماعی، تأمین امنیت جامعه، رعایت حقوق مردم و اقامه قسط و عدل مستلزم وضع مقررات و معین کردن حدود و ثغور آزادی‌ها و تنبیه متخلفان و مجازات مجرمان است تا مردم بتوانند از قبل مال، جان و آبروی خودشان در امنیت باشند: «لا شکَّ فِي أَنَّ إِدَارَةَ الْمُجَمَّعِ وَ حَفْظُ النَّظَامِ وَ رِعَايَةُ حُقُوقِ النَّاسِ وَ إِقَامَةُ الْقِسْطِ وَ الْعَدْلِ، تَوَقُّفٌ عَلَى وَضْعِ الْمُقْرَرَاتِ وَ تَحْدِيدِ الْحَرَيَّاتِ، وَ عَلَى تَأْدِيبِ الْمُتَخَلَّفِينَ وَ مَعْذَلَةِ الْمُجْرِمِينَ، حَتَّى يَعِيشَ النَّاسُ مَطْمَئِنِينَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ وَ أَعْرَاضِهِمْ» (موسی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴ و ۵) شارع مجازات، از جمله حدود و تعزیرات را برای بازداشتمن ارتکاب منکرات و ترک اوامر الهی وضع نموده است (موسی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴).

اسباب اعمال حدود، پنج عمل مجرمانه زنا، قذف، شرب خمر، سرقت و راهزنی

است و اسباب اعمال تعزیر چهار عمل محرم بگی، ارتداد، مقاربت با حیوان و ارتکاب محرمی که است حدّی برایش تعیین نشده است (تجھی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۲۵۵). اقامه حدود و تعزیرات از سازوکارهای بازدارنده و پیشگیری کننده از ناامنی اجتماعی است که رفتارها و هواها و غرایز انسانی را در جهت مصالح عمومی دنیوی و اخروی کنترل و مهار می‌کند.

۱-۳-۲. نهاد قضا

نهاد قضا ضامن اجرای قوانین و صیانت از حقوق آحاد جامعه است. «آن منصب القضاء من المناصب المهمة في الدولة و النظام العالمي...؛ إذ عليه تبني سلامتها و استقرار العدل فيها و حفظ الحقوق والحرم» (موسوي اردبیلی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۰ متنظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۷) منصب قضا از مناصب مهم در دولت و نظام دنیا است...؛ زیرا سلامت این جوامع و استقرار عدالت در آنها و حفظ حقوق و محترمات بر امر قضا استوار است».

۴۳

فقیه
سیستان

تئینی فقهی از اصول تهدید و پردازهای تائینی امنیت در جامعه

نکته مهم اینکه ملاک و مبنای اساسی تکوین نهاد قضا در جامعه اسلامی، اقامه عدل است که در آیات (نساء، ۲۶، ص ۵۸) و روایات (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷) به روشی انعکاس یافته است. فقهای شیعه نظیر شیخ طوسی، شهیدثانی و ابن ادریس حلی، آن را واجب کفایی دانسته‌اند و حتی برخی فقیهان تحت شرایطی، آن را واجب عینی استنباط کرده‌اند: «القضاء من فروض الكفایات، تماماً كالجهاد والأمر بالمعروف و نصرة المظلوم،... و قد يصير القضاء واجباً عينياً بالعرض، كما لو لم يوجد أهل للقضاء سواء، و دعت إليه الحاجة» (مغنية، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۶۱)؛ قضا واجب کفایی است مثل جهاد و امر به معروف و یاری مظلوم؛... قضا در شرایطی واجب عینی بالعرض می‌شود، در صورتی که کسی که اهلیت قضا نداشته باشد و نیاز به آن سوق دهد». در استدلال بر واجب قضا به عدم رضایت شارع بر خدشه‌دار شدن حفظ نظام و سدّ ابواب ظلم و معاصی استناد شده است: «ولعل خير ما يستدل به على ذلك توقيف ما نقطع بعدم رضا الشارع بقوته عليه من حفظ النظام، و سدّ أبواب الظلم و المعاصي» (حسینی حائری، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۶).

۱-۳-۳. نهاد حکومت

حکومت مهم‌ترین نهاد در جامعه است که از کارویژه‌های اصلی آن تامین امنیت می‌باشد. غالب نهادهایی که پیش‌تر بدان اشاره شد، در سایه نهاد حکومت امکان عمل و ضمانت اجرا می‌کنند. «إن الحكومة الإسلامية لما كانت حكومة قانونية، بل حكومة القانون الإلهي فقط، وإنما جعلت لأجل إجراء القانون، وبسط العدالة الإلهية بين الناس، لابد في الوالي من صفتين، هما أساس الحكومة القانونية، ولا يعقل تحقّقها إلا بهما إحداهما العلم بالقانون، وثانيهما العدالة» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۳)؛ حکومت اسلامی حکومت قانونی است، بلکه حکومت قانون الهی است که به منظور اجرای قانون الهی و بسط عدالت الهی میان مردم وضع شده است؛ لذا باید حاکم دارای دو صفت باشد که این دو صفت اساس حکومت قانونی است و بدون آنها این حکومت تحقق پیدا نخواهد کرد: یکی علم به قانون است و دیگری عدالت می‌باشد».

همان‌طور که در دیدگاه امام خمینی بیان شد، حکومت قانونی و عادل نقش ایجابی در صیانت از ارزش‌های الهی در جامعه و تامین امنیت اجتماعی دارد؛ و در مقابل، حکومت جائز نقش تخریبی در امنیت اجتماعی و استحاله ارزش‌های الهی و دینی دارد. با توجه به شأن و جایگاه سیاسی و اجتماعی فقیه به نیابت از امام معصوم (نزاری، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳۹؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۵۳)، حکومت عادل و قانونی تحت زعامت فقیه، مأمور و مسئول حفاظت از ارزش‌های الهی، حفظ هویت دینی

جامعه و تأمین امنیت اجتماعی است (لکزایی، ۱۳۹۰، صص ۶۲-۶۸). نکته شایان ذکر اینکه نهاد حکومت، ضمن اینکه در سطح مقابله با عوامل ناامنی اجتماعی نقش برجسته‌ای دارد، در سطوح پیشگیری و نیز سیاستگذاری در حوزه امنیت اجتماعی نیز نقش اصلی و هدایتگر را دارد.

۲-۳. سازوکارها و ابزارهای پیشگیری از وقوع ناامنی در جامعه

۲-۳-۱. امربه معروف و نهی از منکر (نظرارت همگانی)

یکی از احکام مورد اهتمام در فقه، نظارت عمومی و همگانی مسلمین بر اجرای احکام، رفتار حکام و صیانت از ارزش‌های جامعه است که از آن به امربه معروف و نهی از منکر تعبیر شده است. در آیات (آل عمران، ۱۰۴؛ توبه، ۷۱) و روایات (کلبی، ۱۴۲۹ق، ۹، ص ۴۹۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۹۸ و ۱۶، ص ۱۱۸ و ۱۱۹؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۳؛ جودی آملی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۶۴؛ حسینی تهرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۵) تأکیدات بسیاری بر اجرای امربه معروف و نهی از منکر شده است. عواقب و تبعات اجتماعی و سیاسی ترک امربه معروف و نهی از منکر بر جامعه چنان مهلك و ویرانگر است که فضیلت آن را حتی نسبت به جهاد در راه خدا بسیار بالا می‌برند و ترک آن را موجب تهدیدات امنیتی شدیدی همچو غلبه اشرار می‌دانند: «[ای مسلمانان!] امربه معروف و نهی از منکر را ترک و فراموش نکنید که در آن صورت اشرار بر شما مسلط می‌شوند» (سیدرضی، ۱۳۶۹، نامه ۴۷).

همچنین امام صادق علیه السلام در تأثیرگذاری امربه معروف و نهی از منکر بر روند امور جامعه می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيقَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا ثُقَامُ الْفَرَائِضُ هُنَالِكَ يَتِمُ عَصَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ فَيُعَذِّبُهُمْ فِي هِلْكَةِ الْأَبْرَارِ فِي دَارِ الْأَشْرَارِ وَ الْصَّغَارُ فِي دَارِ الْكَبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَئِيَاءِ وَ مِهْاجُ الْصَّلَاحَاءِ فَرِيقَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا ثُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ ثَامِنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحْلُلُ الْمَكَابِسُ وَ ثُرُدُ الْمَظَالِمُ وَ ثَعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ الْحَدِيثُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) همانا امر به معروف و نهی از منکر راه انسیا و طریقه صالحین است، فریضه

بسیار بزرگی که با آن فرائض اقامه می‌گردد، و مذاهب [مشرب‌های گوناگون فکری یا راه‌ها و محل رفت و آمد مردم] امنیت می‌یابد، و کسب و کار حلال می‌گردد، و حق ستمدیدگان به آنان بازگردانده می‌شود، و زمین آباد می‌گردد، و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و امور به صلاح می‌گراید».

شایان ذکر است که با وجود ادعای اجماع فقهاء بر وجوب امریه معروف و نهی از منکر، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۳۵۸) در مبنای عقلی (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۶۲) یا شرعی بودن (سیوری حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۴) و نیز عینی (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ شیخ بهائی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۶۱) یا کفایی بودن وجوب (امام خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۶۳) آن اختلاف نظر داردند. امریه معروف و نهی از منکر به خصوص وقتی عموم مسلمین به آن اقدام کنند، بسیاری از مصائب و معاصی و مشقّات از جامعه رخ بر می‌بندد، مذاهب و مشرب‌های گوناگون فکری امنیت می‌یابد، حق ستمدیدگان به آنان بازگردانده می‌شود و امور به صلاح می‌گراید. این زمینه حصول امنیت اجتماعی است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) در مقابل، اگر مسلمانان این فرضه الهی ترک کنند، نامنی بر جامعه حاکم می‌شود که نمود آن حکومت اشاره است (سیدرضی، ۱۳۶۹، نامه ۴۷).

۲-۲-۳. حجاب

در مباحث فقهی با دو واژه «حجاب» و «ساتر» مواجه می‌شویم. ساتر به معنای «پوشش» است و حجاب به دو معنای «پوشش» و «پوشیدن» به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۰). نگاهی به آثار و آرای فقهی در خصوص حجاب، یانگر آن است که فقهاء هیچ اختلافی در اصل وجوب حجاب برای بانوان در برابر نامحرم ندارند و برخی فقهاء این حکم را مورد اجماع همه علمای اسلام دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۴۸) صاحب جواهر با بیان ادله فراوان بر وجوب پوشش و حرمت نگریستن به آن، معتقد است: «الحاصل ما دلّ على وجوب الستر و حرمة النظر أكثر من أن يحصل (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳)؛ نتیجه اینکه ادله‌ای که بر وجوب پوشش و حرمت نگاء (مرد به زن) دلالت می‌کند بیش از آن است که قابل شمارش باشد». با وجود اجماع در مورد اصل حجاب

زن در برابر نامحرم، در مقدار پوشش واجب، میان فقها اختلاف نظر هست (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۶۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۷۷).

نکته شایان توجه اینکه بین حرمت نگاه با وجوب پوشش ملازمه وجود دارد؛ یعنی هر جا به مرد اجازه نگاه داده شده، بر زن پوشاندن آن واجب نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۷۵؛ کلانتری، ۱۳۸۷، ص ۲۹) به همین دلیل در مباحث متعدد فقهی، نگاه به نامحرم و پوشش زن در قالب یک بحث مورد توجه قرار گرفته است. اجماع فقها معتقدند مرد نامحرم به بدن و زینت‌های زن بیگانه نباید نگاه نکند مگر به ضرورت، بلکه این ضروری مذهب و دین اسلام است؛ البته برخی قائل اند که جائز است مرد نامحرم به صورت و دو کف زن بیگانه نگاه کند بدون لذت و ترس از وقوع در ریبه و وسوسه». محقق حلی نگاه به نامحرم را اصلاً جائز نمی‌داند مگر از باب ضرورت (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۱۳) حتی فخرالمحققوین در این خصوص ادعای اجماع بین مسلمانان کرده است (فخرالمحققوین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷) و صاحب جواهر آن را از ضروریات مذهب و بلکه دین خوانده است و بر حرمت نگاه به نامحرم ادعای اجماع بین امامیه کرده است: «و لا ينظر الى جسد الأجنبية و محاسنها أصلًا إلا لضرورة إجماعاً، بل ضرورة من المذهب و الدين، نعم يجوز عند جماعة أن ينظر الى وجهها و كفيها من دون تلذذ و لا خوف ريبة أو افتنان (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۷۵)؛ اجماع میان امامیه است که به بدن زن اجنبي و زیبایی های او به طور مطلق نباید نگاه کرد مگر ضرورتی آن را اقتضا کند، بلکه این اجتناب از نگاه از ضروریات مذهب و دین به حساب می‌آید؛ البته گروهی معتقدند نگاه به صورت و دستان زن اجنبي بدون قصد لذت و بدون اینکه ترس از ریبه و شیفته و مفتون شدن باشد، جائز است».

نکته قابل ذکر اینکه همان طور که نگاه مرد به زن تحت شرایطی حرام است، نگاه زن به مرد نیز به جز صورت و دستهای او حرمت دارد: «كذا الحكم في نظر المرأة الى الرجل، وأنه غير جائز إلا إلى وجهه و كفيه» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۸۱). شایان ذکر است که اساساً رویکرد فقها به حکم تحریم نگاه و وجوب حجاب، رویکردی پیشگیرانه است تا امنیت زن و مرد و خانواده و اجتماع فراهم گردد. صاحب

جواهر در این باره پس از ذکر روایتی نبوی (صどق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۰)، علت حرمت نگاه به نامحرم را ایجاد مصونیت در برابر زنا و مفتون و شیفته زن نامحروم شدن دانسته است: «البُعْدُ عَنِ الْوَقْعَ فِي الزَّنَا وَ الْإِفْتَانِ وَ نَحْوِهِمَا الْمَعْلُومُ مِنَ الشَّارِعِ إِرَادَةً عَدَمِهِمَا، وَ لِذَلِكَ حَرَمٌ مَا يُحْتَمَلُ إِيْصَالَهُ إِلَيْهِمَا مِنَ النَّظَرِ وَ نَحْوِهِ» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۷۵) همچنین شواهد جامعه‌شناختی و تحقیقات میدانی می‌بین نقش پررنگ حجاب در امنیت زنان در جامعه و عامل بازدارنده در تعرض به زنان می‌باشد (فاضلیان، ۱۳۸۹، صص ۶۲، ۶۵ و ۶۷).

۳-۲-۳. نهاد خانواده

حفظ خانواده از اصول بنیادین تعالیم دینی است (شهیداول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸) و تحریرم کبائری چون نگاه به نامحرم، زنا، لواط، قوادی و قذف در راستای حفظ کیان خانواده به عنوان کانون اصلی تربیت و حفظ ارزش‌های اجتماعی است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲) به طوری که شدیدترین عقوبات (رجم) برای زنای محضنه است که از اسباب تزلزل نهاد خانواده به شمار می‌رود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، صص ۳۰۹-۳۲۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۵۲).

خانواده هسته اصلی اجتماع و زمینه انتقال ارزش‌های جامعه به افراد است که در صورت انجام درست این رسالت در خانواده، امنیت جامعه در برابر تهدیدها ارتقا می‌یابد و در صورت، تزلزل خانواده، امنیت اجتماعی نیز دچار آسیب می‌شود.

۴-۲-۳. نهاد حسیبه

امور حسیبه، اعمّ است از واجبات و مستحبات کفاییه است؛ از قبیل جهاد، دفاع، امر به معروف، اجرای حدود، فتواء، قضا، شهادت، استشهاد (شاهد گرفن)، نگهداری گم شده - اعمّ از انسان و غیره - نگهداری اموال قاصرین (یتیم، مجنون، سفیه)، نگهداری اموال غاییین، نجات افراد از هلاکت، کفن و دفن مردگان، کمک به مستمندان (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۵۶؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۲ق، ص ۵۰۹) شیخ انصاری در تعریف امور حسیبه می‌نویسد: «الامور التي يكون مشروعية ايجادها في الخارج مفروغاً عنها بحيث لو

فرض عدم الفقیه کان علی الناس القيام بالکفایة (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۷۰)؛ اموری که تحقق آنها در خارج مفروغ عنه تلقی شده است به طوری که اگر فقیه نباشد بر مردم واجب کفایی به انجام دهند».

علامه شعرانی با احصای امور حسیبیه ذیل امریبه معروف، به نقل از ماوردی می‌نویسد: «حسیب واسطه است بین قضا و مظالم. قضا در زمان ما کار عدله است و مظالم از وظائف نظمیه، و حسیب غالباً راجع به شهرداری (بلدیه)» (شعرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۲۶).

برخی از فقهاء نظری شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۴۷-۵۱)، کاشف‌الغطا (کاشف‌الغطا، ۱۴۱۱ق، ص ۱۶۸)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۲۵) و مطهری (مطهری، ۱۳۸۳ق، ص ۲۱، ۱۹۲)، حسیب را در دایره ولایت بر امر به معروف و نهی از منکر تعریف کرده‌اند؛ البته در آثار فقهاء متأخر شیعه (از شیخ انصاری به بعد) اصطلاح حسیب و امور حسیبیه در مفهومی غیر از امریبه معروف، و به معنای اموری به کار رفته که شارع مقدس هرگز راضی به ترک آنها نیست: «حسیب به معنای قربت است و مراد از آن تقریب جستن به خداوند متعال است. مورد حسیب هر کار نیکی است که می‌دانیم شرعاً وجود آن در خارج خواسته شده است، بدون اینکه انجام دهنده ویژه‌ای داشته باشد» (بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۹۰).

با وجود تفاوت در تبیین حسیب، نقطه مشترک آنها، نقش ناظارتی بر امور جامعه و کارگزاران و نیز اعمال و صیانت از ارزش‌های اسلامی در جامعه است که زمینه بسیاری از تهدیدهای امنیت اجتماعی را از بین می‌برد (صرامی، ۱۳۷۷، صص ۵-۷).

۳-۳. ابزارهای فرافعال در تأمین امنیت اجتماعی

۳-۳-۱. تعاون؛ نهادسازی بر محور نیکوورزی

تعاون از مفاهیم قرآنی است. «معنای تعاون بر بزر و تقوا به اجتماع ایمان و عمل صالحی که براساس تقوا شکل گرفته باشد برمی‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۵، ص ۱۶۳). درباره تقوای جمعی نیز برخی آن را مصدق اعلای قاعده تعاون دانسته‌اند (شریعتی، ۱۳۸۷ق، ص ۲۹۰).

به تعبیر یکی از فقهاء تعاون نمود سلامت جامعه است: «يدلّ قوله تعالى «تعاونوا على البرّ و التقوى» على أنّ المجتمع الصالح إذا كان بين أفراده التعاون و الحضر أن يكون ذلك على البرّ و التقوى... تبيين الآية الكريمة نظرية الإسلام في المجتمع فإنّه يرى أنّه لابد أن يكون إعداداً صالحاً يتحمل أفراده المسؤولية في تنظيمه و مراقبته. لثلا يخرج عن المسير الصحيح الذي أمر به الله سبحانه و تعالى، فيكون المراد من التقوى في المقام التقوى الجمعي و الشعور بالمسؤولية و مراقبة جميع أفراد المجتمع بالتعاون بينهم على البرّ، و نبذ كل ما يكون مانعاً عن الوصول إلى الهدف المنشود (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۷۰). قول خداوند «تعاونوا على البرّ و التقوى» بر جامعه صالح و سالم دلالت می کند؛ جامعه‌ای صالح و سالم است که بین افراد آن تعاون و همیاری در نیکی و تقوی باشد... این آیه کریمه نظریه اسلام درباره جامعه را تبیین می کند که اسلام معتقد است باید نهادها و ساختار جامعه سالم باشد تا افرادش مسئولیت سازماندهی و مراقبت جامعه را بر عهده گیرند. تا جامعه از مسیر سالم و صحیح که خداوند به آن امر کرده خارج نشود. بنابراین مراد از تقوی در آیه تقوی جمعی و آگاهی مسئولیت‌پذیری و مراقبت همه افراد جامعه بر تعاون بر بز و دور کردن هر آنچه که مانع رسیدن به هدف مورد نظر است».

در واقع «انسان ذاتاً موجودی اجتماعی و مدنی است و سرشت او با مدنیت در آمیخته است و نیازهای او جز در سایه تعاون و همیاری و زندگی اجتماعی بر طرف نمی‌شود» (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۸۳) به عبارت دیگر، ارزش و اعتبار جامعه انسانی به میزان تعاون و تکافل و مؤسات آن است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷) امام علی علیه السلام تعاون را ملاک دینداری معرفی کرده‌اند (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳)؛ و حتی رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم آن را معیار مسلمانی قلمداد کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۶۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۵۹).

بی‌شک شکل‌گیری و فراگیری تعاون و همیاری در جامعه به عنوان یک امر پیش‌دستانه، مصونیت و امنیت آن را در برابر تهدیدها افزایش می‌دهد و رضایت اجتماعی را سبب می‌شود.

۲-۳-۳. وفای به عهد؛ تقویت پیوند های اجتماعی

اساس و بنیاد نظام اجتماع بر تعهدات و پیوند ها و وفای به عهد افراد جامعه ابتنا دارد. فقهاء به این قاعده اهمیت زیادی قائل شده اند و در ابواب مختلف به آن تمسک جسته اند. میثاق های اجتماعی و سیاسی مانند قانون اساسی و قوانین عام در هر جامعه نیز از جمله عقود و عهد هاست که اساس ارزشی و هنجاری یک جامعه را تشکیل می دهد؛ برای نمونه می توان به قانون اساسی مدینه پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرد.

فقهاء در استدلال بر این قاعده به آیات (بقره، ۴۰؛ آل عمران، ۷۶؛ اسراء، ۹۴؛ نحل، ۹۱) و روایات متعددی استناد کرده اند؛ از جمله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمْ أُوفُوا بِالْأُعْهُدِ» (مانده، ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به قراردادها [ی خود] وفا کنید». در روایتی نبوی، حضرت می فرماید: «الْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ إِلَّا كُلُّ شَرْطٍ خَالِفٌ كِتَابُ اللَّهِ» (نوری، ۱۳۶۸)، ج ۲، ص ۴۷۳؛ مسلمانان بر شرط (قرارداد) های خود پای بند هستند، جز شرطی که برخلاف کتاب الهی باشد».

۵۱

فقهاء سیاسی

تبیینی فقهی از اصول تقدیم و پذیره ای امنیت در جامعه

۳-۳-۳. تقدم حق الناس بر حق الله (قاعده درء)

«قاعده درء» که از روایت «أَدْرِأُوهَا الْحَدُودَ بِالشَّبَهَاتِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹؛ اق، ۱۸؛ ج ۳۳۶)؛ صدوق، ۱۴۱۳؛ اق، ۴؛ ج ۷۴؛ حدود الهی را با وقوع شک و تردیدها کنار بگذارید» اقتباس شده، مبین تقدم حق الناس در اقامه حدود و تعزیرات شرعی است؛ ازین رو برای جلوگیری از حرمت شکنی از افراد متهم، قاعده درء در صیانت از حقوق متهم وضع شده است. البته فقهاء در شمول قاعده درء بر حدود اتفاق نظر دارند، اما درباره شمول آن بر تعزیرات شرعی و قصاصی، میان فقهاء اختلاف نظر است (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷). بر اساس قاعده درء، اصل بر بی گناهی افراد است و عارض شدن شبهه ای در مفهوم یا مصادق جرم، بنابر اصل حرمت دماء، اموال و فروج بوده و إعمال مجازات منتفی و ممنوع است (شریعتی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۹؛ موسوی بجنوردی و کیمی تکمیلی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

این نگاه به جرم و جرایم در جامعه و صیانت از کرامت انسان، فضای آرام و اطمینان بخشی را ایجاد می کند که همان امنیت ایجابی در اجتماع است.

نتیجه‌گیری

فقه به عنوان دانشی راهبردی، با ارائه قوانین و احکام ناظر بر روابط فردی و اجتماعی در مقام ایجاد جامعه‌ای مؤمنانه است. این جامعه بر ارزش‌ها و فرهنگ دینی ابتنا دارد و دانش فقه، با استنباط عوامل تهدید کننده این ارزش‌ها و نیز سازوکارها و ابزارهای مقابله و پیشگیری از تهدیدهای، در صدد حفظ جامعه و امنیت اجتماعی می‌باشد.

مفهوم امنیت اجتماعی با دو سطح تحلیل متفاوت مطرح شده است: نخست، امنیت اجتماعی را به مثابه بُعدی از امنیت ملی، و امنیت اجتماعی به مثابه بُعدی از امنیت انسانی، که در این مقاله، سطح تحلیل نخست مدنظر قرار گرفته است. در امنیت اجتماعی در راستای امنیت ملی، مرجع امنیت، دولت است. از این منظر امنیت اجتماعی ناظر بر تهدید هویتی جوامع در دولت‌های ملی است؛ به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی بر صیانت از ارزش‌های سنتی، فرهنگ و هویت مذهبی تأکید دارد.

مقاله حاضر با عنایت به مسئله امنیت اجتماعی به عنوان بُعدی از امنیت دولت اسلامی و رسالت دانش فقه، به استخراج و تبیین گزاره‌های فقهی ناظر بر امنیت اجتماعی، منابع و عوامل تهدید آن، و راهها و سازوکارهای مقابله با آن پرداخته است. در این راستا مقاله براساس سه سطح «امنیت چه چیزی، در برابر چی، و با چه ابزار و سازوکاری» سامان یافته است. در پاسخ به سوال نخست (امنیت چه چیزی)، تبیینی اجمالی از امنیت جامعه ارائه شده است. قسمت دوم مقاله در پاسخ به سؤال دوم (در برابر چی)، عوامل تهدید کننده امنیت اجتماعی، مانند ظلم، محاربه، تبعیض و حکومت جائز، از ابواب مختلف فقه استخراج و بررسی شده است. قسمت سوم در مقام پاسخ به سوال «با چه ابزار و سازوکاری»، گزاره‌های فقهی ناظر بر راهها و سازوکارهای مقابله و پیشگیری از تهدیدهای و ایجاد رضایتمندی، استخراج، بررسی و تبیین شده است، نظیر حدود و تعزیرات، امر به معروف، حجاب، تعاون، نهادهای قضایی و حسنه و خانواده و حکومت.

همان طور که اشاره شد، رسالت علم فقهه ایجاد یک جامعه مؤمنانه است؛ از این‌رو در ابواب مختلف تلاش شده که انسان در جامعه، در مسیر تقریب به خدا حرکت کند و اساساً انسان مقرب در امنیت کامل است. در این راستا هر عاملی که مسیر حرکت

مومنانه را تخریب نماید یا جامعه را به سویی غیر از خدا سوق دهد، به عنوان یک تهدید محسوب می‌شود که ضرورت دارد با بهره‌گیری از مهارکننده‌های دنیوی و اخروی، با آن مقابله شود یا اساساً زمینه تحقق تهدید را از بین برود. در این مقاله ضمن احصاء کبائر و فسق و فجور و اسباب و عواقب آنها، گزاره‌های فقهی ناظر بر تهدیدهای امنیت اجتماعی و نیز راههای مقابله با آن بیان و تبیین شده است؛ چراکه جامعه مؤمنانه در پس تطهیر جامعه از فسق و فجور محقق می‌شود.

آنچه پژوهش حاضر را متمایز می‌کند، آشکارسازی توانمندی دانش فقه در تبیین منابع مخاطره امنیت اجتماعی و سازوکارهای صیانت از آن در چارچوب جامعه مؤمنانه مدنظر فقه است. به عبارت دیگر، با عنایت به نقش آفرینی تاریخی فقه در جامعه مسلمانان و ترسیم حدود و ثغور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن، تبیین امنیت اجتماعی در قالبی بومی و دینی را امکان‌پذیر می‌سازد و می‌تواند زمینه ارائه الگویی دینی برای امنیت جامعه را فراهم کند.

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحدین محمد. (۱۴۱۰ق). غور الحکم (ج ۲، مصحح: سیدمهدی رجائی). قم: دارالکتاب الاسلامی.
۲. ابن ادریس حلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق). السرائر (ج ۲). قم: موسسه النشر الاسلامی.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۳). بیروت: دارالفکر و دارصادر.
۴. امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهنما.
۵. امام خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۵ق). ترجمه تحریر الوسیلة (مترجم: علی اسلامی، ج ۱ و ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب (ج ۱). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۷. بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بلغة الفقيه (ج ۳). تهران: منشورات مکتبة الصادق علیها السلام.
۸. بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
۹. بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم دولت‌ها و هراس (مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دوویلد، پاپ. (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت (مترجم: علیرضا طیب). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۴ق). خمس رسائل. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۱۱، ۱۶، ۱۷ و ۱۸، چاپ اول). قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

۱۳. الحریری، شافع ذیان. (۱۴۲۲ق). حدیث القرآن عن مفهوم الفسق و صوره. مجلة الشريعة والدراسات الإسلامية، ش ۴۲، صص ۲۱-۶۲.
۱۴. حسينی حائری، سید کاظم. (۱۴۲۰ق). القضاء في فقه الاسلام. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۱۵. حسينی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۴۱۸ق). ولایة الفقيه في حکومة الإسلام (ج ۴). بيروت: دار الحجة البيضاء.
۱۶. خلخالی، سید محمد مهدی. (۱۴۲۲ق). حاکیت در اسلام یا ولایت فقیه (مترجم: جعفر الهادی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۸). سیره نبوی، دفتر دوم: سیره اجتماعی. تهران: انتشارات دریا.
۱۸. رومینا، ابراهیم؛ حسينی، نوشین السادات. (۱۳۹۱). نظم و امنیت اجتماعی. پژوهشنامه امنیت اجتماعی، دفتر نخست: مبانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکردی ایرانی (ویراستار علمی: اصغر افتخاری). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. سیزوواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن (ج ۱۰). بیروت: موسسه اهل بیت للّٰہ.
۲۰. سعدی، ابو جیب. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقیع لغة و اصطلاحاً. دمشق: دار الفکر.
۲۱. سید رضی. (۱۳۶۹). نهج البلاغة (مترجم: محمد دشتی). قم: نشر امام على للّٰہ.
۲۲. سیوری حلی، مقداد بن عبد الله. (بی تا). کنز العرفان فی فقہ القرآن (ج ۱، مترجم: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی). قم: پاساز قدس.
۲۳. سید بن طاووس. (۱۴۱۵ق). الإقبال بالأعمال الحسنة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. شریعتی، روح الله. (۱۳۸۷). قواعد فقه سیاسی (چاپ اول). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۵. شریف مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). رسائل الشیف المرتضی (ج ۲). قم: دار القرآن الكريم.
۲۶. شعرانی، ابوالحسن. (۱۴۱۹ق). ترجمه و شرح تبصرة المتعلمين (ج ۱). تهران: منشورات إسلامیه.
۲۷. شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیه (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

٢٨. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (١٤١٢ق). الروضۃ البهیۃ فی شرح اللمعۃ الدمشقیۃ (ج ١، مصحح: سلطان العلماء). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
٢٩. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی. (١٤١٣ق). مسالک الأفہام (ج ١٤). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیہ.
٣٠. شهید اول، محمد بن مکی. (بی تا). القواعد و الفوائد (ج ١، چاپ اول). قم: کتاب فروشی مفید.
٣١. شیخ بهائی، محمد بن حسین. (١٤٢٩ق). جامع عباسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٣٢. شیهان، مایکل. (١٣٨٨ق). امینت بین المل (متترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
٣٣. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (١٤١٣ق). من لا يحضره الفقيه (ج ٣ و ٤). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٣٤. صرامی، سیف الله. (١٣٧٧ق). حسبه نهاد حکومتی. قم: بوستان کتاب قم.
٣٥. طباطبائی، سید محمد حسین. (١٣٩٤ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ٥). بیروت: دارالاعلمی.
٣٦. طوسی، محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج ٤). تهران: المکتبة المرتضویة لایحیاء الآثار الجعفریة.
٣٧. طوسی، محمد بن حسن. (١٤٠٧ق). تهذیب الأحكام (ج ٦). تهران: دار الكتب الإسلامية.
٣٨. عبدالرحمان، محمود. (١٤١٩ق). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة (ج ٣). قاهره: دار الفضیلہ.
٣٩. علامه حلّی، حسن بن یوسف. (١٤١٤ق). تذکرة الفقهاء (ج ٢). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٤٠. فاضلیان، پوراندخت. (١٣٨٩ق). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران. پژوهش نامه زنان، ١(٢)، صص ٦٥-٨٦.
٤١. فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن. (١٣٨٧ق). إیضاح الفوائد (ج ٣). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٤٢. فیض کاشانی، محمد محسن. (١٤٠٦ق). الوافی (ج ١٥). اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیهم السلام.
٤٣. کلانتری، علی اکبر. (١٣٨٧ق). فقه و پوشش. قم: بوستان کتاب قم.

٤٤. کاشف الغطا، علی بن محمد رضا. (١٤١١ق). باب مدينة العلم. نجف: موسسه کاشف الغطا.
٤٥. کلینی، محمد بن یعقوب. (١٤٢٩ق). الکافی (ج ٢، ٤ و ٩). قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
٤٦. لک زایی، نجف. (١٣٩٠). فقه و امنیت. مجله فقه، ش ٧٠، صص ٤٥-٨٦.
٤٧. مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (١٣٨٢ق). شرح الکافی (ج ٩). تهران: المکتبة الاسلامیة.
٤٨. ماندل، رابت. (١٣٧٧). چهره متغیر امنیت ملی (مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
٤٩. مجلسی، محمد باقر. (١٤١٠ق). بحار الأنوار (ج ٧٣). بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
٥٠. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (١٤٠٨ق). شرائع الإسلام (ج ٢ و ٤). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٥١. مطهری، مرتضی. (١٣٨٣). فقه و حقوق (مجموعه آثار) (ج ٢١). تهران: صدرا.
٥٢. معنی، محمدجواد. (١٤٢١ق). فقه الامام الصادق علیه السلام (ج ٦). قم: مؤسسه انصاریان.
٥٣. منتظری، حسینعلی. (١٤٠٩ق). دراسات فی ولایة الفقيه و فقه الدولة الإسلامية (ج ٣). قم: نشر تفکر.
٥٤. منتظری، حسینعلی. (١٣٦٩). مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ٢، مترجمان: محمود صلواتی). قم: نشر تفکر.
٥٥. منتظری، حسینعلی. (١٤١٧ق). نظام الحكم في الإسلام (چاپ دوم، یک جلدی) قم: نشر سرایی.
٥٦. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (١٤٢٣ق). فقه القضاء (ج ١). قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
٥٧. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم. (١٤٢٧ق). فقه الحدود و التعزیرات (ج ١). قم: مؤسسه النشر لجامعه المفید.
٥٨. موسوی بجنوردی، سید محمد؛ کبیر تکمیلی نژاد، عاطفه. (١٣٩٠). جایگاه عدالت و اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی، مجله پژوهشنامه متین، ش ٥١، صص ١-١٨.
٥٩. نائینی، محمد حسین. (١٣٩٣). تبیه الامه و تنزیه الملہ (محقق: سید جواد ورعی). قم: بوستان کتاب قم.
٦٠. نجفی، محمدحسن. (١٤٠٤ق). جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ٢، ٢١، ٢٩ و ٤١). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

٦١. نراقی، ملااحمد. (١٤١٧ق). عوائد الأيام في بيان قواعد الأحكام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
٦٢. نصری، قدیر. (١٣٩١). امنیت جامعه؛ معنا، محدوده و مؤلفه‌ها. پژوهشنامه امنیت جامعه، دفتر نخست: مبانی و مسائل امنیت اجتماعی؛ رویکردی ایرانی (ویراستار علمی: اصغر افخاری). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
٦٣. نصری، قدیر. (١٣٨٠). معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت. فصلنامه راهبرد، ٢٦، صص ١١٢-١٣٣.
٦٤. نوری، میرزا حسین. (١٣٦٨). مستدرک الوسائل و مستبیط المسائل (ج ٢). قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
٦٥. نویدنیا، منیزه. (١٣٨٢). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ١٩(٦)، صص ٥٥-٧٦.

References

- * The Holy Quran
- * Nahj al-Balagha
- 1. Abdorahman, M. (1419 AH). *Mujam al-Mustalahat va al-Alfaz al-Fiqhiyah* (Vol. 3). Cairo: Dar al-Fazilah. [In Arabic]
- 2. Allameh Helli, H. (1414 AH). *Tadkirah al-Fuqaha* (Vol. 2). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
- 3. Amadi, A. (1410 AH). *Qorar al-Hikam* (Vol. 2, Rajaee, S. M, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
- 4. Ansari, M. (1415 AH). *Kitab al-Makasib* (Vol. 1). Qom: World Congress honoring Sheikh Azam Ansari. [In Arabic]
- 5. Bahrul Uloom, M. (1403 AH). *Balaghah al-Faqih* (Vol. 3). Tehran: Al-Sadegh Library Publications. [In Arabic]
- 6. Bashiriyyeh, H. (1381 AP). *Political Sociology*. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- 7. Buzan, B. (1378 AP). *People of Governments and Fear* (Research Institute for Strategic Studies, Trans.). Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- 8. Buzan, B., & Weaver, E., & DeWilde, P. (1386 AP). *A new framework for security analysis* (Tayeb, A. R. Trans.). Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- 9. Delshad Tehrani, M. (1388 AP). *Prophetic lifestyle, second chapter: social lifestyle*. Tehran: Darya Publications. [In Persian]
- 10. Fakhr al-Muhaqequeen Heli, M. (1387 AH). *Izah al-Fawa'id* (Vol. 3). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
- 11. Fazelian, P. (1389 AP). An Examination of the relationship between the type of hijab and the level of social security among women in Tehran. *Research Journal of Women*, 1(2), pp. 65-86. [In Persian]
- 12. Feiz Kashani, M. M. (1406 AH). *Al-Wafī* (Vol. 15). Isfahan: Library of Imam Amirul Mominin Ali. [In Arabic]

13. Hariri, S. (1422 AH). Hadith Al-Qur'an an Mafhoum al-Fisq va Sourah. *Majalah al-Shari'ah va al-Dirasat al-Islamiyah*, 42, pp. 21-62. [In Arabic]
14. Hosseini Haeri, S. K. (1420 AH). *Al-Qaza' fi Fiqh al-Islami*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
15. Hosseini Tehrani, S. M. H. (1418 AH). *Wilayat al-Faqih in the government of Islam* (Vol. 4). Beirut: Dar al-Hujja al-Bayda. [In Arabic]
16. Hur Ameli, M. (1409 AH). *Al-Wasa'il al-Shia* (Vol. 11, 16, 17 &18, 1st ed.). Qom: Alul-Bait Institute. [In Arabic]
17. Ibn Idris Heli, M. (1410 AH). *Al-Sara'ir* (Vol. 2). Qom: Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic]
18. Ibn Manzoor, J. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Fikr va Dar Sader. [In Arabic]
19. Imam Khomeini, S. R. (1421 AH). *Kitab al-Bai*. Tehran: The institute for Publications and Preparation of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
20. Imam Khomeini, S. R. (1425 AH). *Translation of Tahrir al-Wasila* (Eslami, Trans., Vol. 1 & 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
21. Javadi Amoli, A. (1404 AH). *Khums Rasa'I*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
22. Kalantari, A. A. (1387 AP). *Jurisprudence and cover*. Qom: Qom Bustan Kitab. [In Persian]
23. Kashif al-Ghita, A. (1411 AH). *Bab al-Madinah Al-Ilm*. Najaf: Kashif Al-Ghita Institute. [In Arabic]
24. Khalkhali, S. M. M. (1422 AH). *Sovereignty in Islam or Wilayat al-Faqih* (Al-Hadi, J, Trans.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
25. Koleyni, M. (1429 AH). *Al-Kafi* (Vol. 2, 4 & 9). Qom: Dar al-Hadith le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
26. Lakzaei, N. (1390 AP). Islamic Jurisprudence and security. *Journal of Fiqh*, 70, pp. 45-86. [In Persian]
27. Majlesi, M. B. (1410 AH). *Bihar al-Anwar* (Vol. 73). Beirut: Al-Tab'a va Al-Nashar Institute. [In Arabic]

28. Mandel, R. (1377 AP). *The changing face of national security* (Research Institute of Strategic Studies, Trans.). Tehran: Research Institute of Strategic Studies. [In Persian]
29. Mazandarani, M. (1382 AH). *Sharh al-Kafi* (Vol. 9). Tehran: Al-Maktabah Al-Islamiya. [In Arabic]
30. Mohaghegh Heli, J. (1408 AH). *Shara'e al-Islam* (Vol. 2 & 4). Qom: Esmailian Institute. [In Arabic]
31. Montazeri, H. A. (1369 AP). *Jurisprudential foundations of Islamic government* (Vol. 2, Salavati, M. Trans.). Qom: Tafakor Publications. [In Persian]
32. Montazeri, H. A. (1409 AH). *Studies in Wilayat Al-Faqih and Jurisprudence of the Islamic State* (Vol. 3). Qom: Tafakor Publications. [In Arabic]
33. Montazeri, H. A. (1417 AH). *Nizam al-Hukm fi al-Islam* (2nd ed., 1 vol.) Qom: Saraei Publications. [In Arabic]
34. Motahari, M. (1383 AP). *Jurisprudence and law (collection of works)* (Vol. 21). Tehran: Sadra. [In Persian]
35. Mousavi Ardebili, S. A. (1423 AH). *Fiqh al-Qaza*. (Vol. 1). Qom: Mu'asisah al-Nashr le Jama'a al-Mufid. [In Arabic]
36. Mousavi Ardebili, S. A. (1427 AH). *Fiqh al-Hudud va al-Ta'azirat* (Vol. 1). Qom: Muasisah al-Nashr le Jame'a al-Mufid. [In Arabic]
37. Mousavi Bojnourdi, S. M., & Kabir Takmili Nejad, A. (1390 AP). The position of justice and ethics in Islamic jurisprudence and law with an approach to the views of Imam Khomeini, *Matin Research Journal*, 51, pp. 1-18. [In Persian]
38. Mughniyeh, M. J. (1421 AH). *Fiqh al-Imam al-Sadiq* (Vol. 6). Qom: Ansarian Institute. [In Arabic]
39. Naeini, M. H. (1393 AP). *Tanbih al-Uma va Tanziyah al-Millah*. (Warei, S. J, Ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
40. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (Vol. 2, 21, 29 & 41). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]

41. Naraghi, M. (1417 AH). *Awa'id al-Ayam fi Bayan Qawa'id al-Ahkam*. Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
42. Nasri, Q. (1380 AP). The meaning and pillars of the sociology of security. *Journal of Strategy*, (26), pp. 112-133. [In Persian]
43. Nasri, Q. (1391 AP). *Security of society; Meaning, scope and components. Journal of Society Security, first book: basics and issues of social security; An Iranian approach* (Eftekhari, A, Ed.). Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
44. Navidnia, M. (1382 AP). An introduction to social security. *Journal of Strategic Studies*, 6(19), pp. 55-76. [In Persian]
45. Nouri, M. H. (1368 AP). *Mostadrak al-Wasail va Mustanbat al-Masa'il* (Vol. 2). Qom: Alulbayt le Ihya al-Torath Institute. [In Persian]
46. Romina, I., & Hosseini, N. (1391 AP). *Social order and security. A study on Social Security, first book: Basics and issues of social security; An Iranian approach* (Eftekhari, A, Trans.). Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
47. Saadi, A. (1408 AH). *Al-Qamoos al-Fiqhi Lughah va Istilaha*. Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]
48. Sabzevari, S. A. (1409 AH). *Mawahib al-Rahman* (Vol. 10). Beirut: Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic]
49. Sadouq, M. (1413 AH). *Man la Yahzar Al-Faqih* (Vol. 3 & 4). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
50. Sarami, S. (1377 AP). *Hesbeh, A government Institute*. Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
51. Seyvari Hellī, M. (n.d.). *Kanz al-Irfān fi fiqh al-Qur'an* (Vol. 1, Bakshayeshi, A, Trans.). Qom: Quds Mall.
52. Seyyed bin Tavus. (1415 AH). *Al-Iqbāl be al-Āmal al-Hasanah*. Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
53. Seyyed Razi. (1369 AP). *Nahj al-Balaghah* (Dashti, M. Trans.). Qom: Imam Ali Publications. [In Persian]

54. Sha'arani, A. (1419 AH). *Translation and explanation of Tabsirah al-Mute'alemin* (Vol. 1). Tehran: Islamic Publications. [In Arabic]
55. Shahid Awal, M. (1417 AH). *Al-Dorus al-Shar'iyyah* (Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
56. Shahid Awal, M. (n.d.). *Al-Qawa'id va al-Fawa'id* (Vol. 1, 1st ed.). Qom: Mofid Bookstore.
57. Shahid Thani, Z. (1412 AH). *Al-Rawza al-Bahiya fi Sharh al-Lum'ah al-Dameshqiyyah* (Vol. 1, Soltan al-Ulama, Ed.). Qom: Publications of the Islamic Propagation Office. [In Arabic]
58. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham* (Vol. 14). Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiyah. [In Arabic]
59. Shariati, R. (1387 AP). *Rules of political jurisprudence* (1st ed.). Qom: Islamic Science and Culture Academy. [In Persian]
60. Sharif Morteza, A. (1405 AH). *Rasa'il al-Sharif al-Mortaza* (Vol. 2). Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
61. Sheehan, M. (1388 AP). *International security* (Dehghani Firouzabadi, S. J. Trans.). Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
62. Sheikh Baha'i, M. (1429 AH). *Jame Abbasi*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
63. Tabatabaei, S. M. H. (1394 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Alami. [In Arabic]
64. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut Fi Fiqh al-Imamiyah* (Vol. 4). Tehran: Al-Maktabah al-Murtazawiyah le Ihya al-Athar al-Jafariyah. [In Arabic]
65. Tusi, M. (1407 AH). *Tahzeeb al-Ahkam* (Vol. 6). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. [In Arabic]